



شفافیت اطلاعاتی و کیفیت خدمات حسابرسی؛ شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدرضا عباسزاده^۱، مصطفی قناد^{۲*}، افشین بهسودی^۳

۱- دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

*ایمیل نویسنده مسئول: Ghannad@Stu.um.ac.ir

چکیده

شفافیت اطلاعاتی از مفاهیم بسیار بااهمیت حوزه حسابداری و مالی است. از طرفی، رویدادهای آشفته‌ساز در اقتصاد بین‌الملل، توجه بیش از پیش به اهمیت گزارشگری مالی معتبر را ملزم نموده است. در این میان ارزش کیفیت خدمات حسابرسی پررنگ‌تر می‌نماید. هدف از اجرای این پژوهش ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. جهت تعیین کیفیت خدمات حسابرسی از پنج سنجۀ تجدید ارائه صورتهای مالی، تخصص حسابررس در صنعت، رتبه موسسه حسابرسی، اندازه حسابررس و نوع حسابررس به عنوان شاخص‌های کیفیت حسابرسی استفاده شده است و در راستای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی، از نمره شفافیت سازمان بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه بهره گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه ۲۳۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد بین رتبه، اندازه و نوع حسابررس و تجدید ارائه صورتهای مالی به عنوان سنجه‌های کیفیت حسابرسی با شفافیت اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد؛ ولی بین تخصص حسابررس در صنعت با شفافیت اطلاعاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: شفافیت اطلاعاتی، تجدید ارائه صورتهای مالی، تخصص حسابررس در صنعت، رتبه موسسه حسابرسی، اندازه حسابررس، نوع حسابررس.



(۱) مقدمه

تعریف و اندازه‌گیری شفافیت در اطلاعات حسابداری مالی دشوار می‌باشد و شفافیت اطلاعاتی یک مفهوم «پیچیده، حساس نسبت به متن و ذهنی» می‌باشد (بیتی، مک‌آیزن و فرنلی^۱، ۲۰۰۴). امروزه، شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت افشای شرکت‌ها از جمله دل‌مشغولی‌های اصلی فعالان بازار سرمایه در کشورهای مختلف به‌شمار می‌رود. در بازار سرمایه ایران با شروع بحران مالی از اوایل سال ۱۳۸۳، شفافیت مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا علاوه بر ایجاد همگرایی نسبی در استانداردهای حسابداری مالی با استانداردهای حسابداری بین‌المللی، سازمان بورس و اوراق بهادار نیز کوشش‌هایی را به منظور بهبود سایر موارد افشا انجام داده است. شفافیت اطلاعاتی، شاخص عملکرد مدیریت در ارائه اطلاعات ضروری به شکلی صحیح، روشن، به‌موقع و قابل دسترس است. این شاخص منعکس‌کننده این است که آیا سرمایه‌گذاران تصویری واقعی از آنچه واقعاً داخل شرکت رخ می‌دهد، دارند یا خیر. (مهرآذین، مسیح‌آبادی و دهنوی، ۱۳۹۱). بوشمن، پیتوتروسکی و اسمیت^۲ (۲۰۰۴) شفافیت اطلاعات مالی را توان دسترسی گسترده به اطلاعات مزبور و قابل اتکا در مورد عملکرد مالی، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حاکمیت، ارزش و خطرپذیری شرکت‌ها در اقتصاد تعریف کرده‌اند. شفافیت در اطلاعات مالی از یک سو به سهامداران خرد اطمینان می‌دهد که همواره اطلاعات قابل اتکا در مورد ارزش شرکت دریافت خواهند کرد و سهامداران عمده و مدیران در پی تضييع حقوق آنها نیستند و از سوی دیگر مدیران را برای تلاش در جهت افزایش ارزش شرکت به جای پیگیری منافع شخصی کوتاه‌مدت ترغیب می‌کند (نوبخت، ۱۳۸۳). برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شفافیت اطلاعات حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه بدهی، هزینه سرمایه و متغیرهای دیگری تأثیرگذار است. به عنوان نمونه، آندراده، برنایل و فردریک^۳ (۲۰۰۹) نشان می‌دهند شفافیت باعث کاهش هزینه بدهی می‌شود و یا فرانسیس، خارانا و پیرا^۴ (۲۰۰۵) در یک بررسی مقطعی بیان کرده‌اند که شفافیت سود حسابداری هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهد. وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سهامداران باعث می‌شود که سهامداران اطلاعات بیشتر و معتبری را درخواست کنند. صورتهای مالی شرکت‌ها در صورتی می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد که شفاف باشد. یو^۵ (۲۰۰۵) ابراز داشت، شفافیت پایین نشان می‌دهد که اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود ندارد و بنابراین یک عدم تقارن اطلاعاتی بین آنهایی که آگاهی دارند و آنهایی که اطلاعات کافی در اختیارشان نیست، وجود دارد؛ این امر منجر به بروز صرف ریسک اطلاعات می‌شود. از دیدگاه سرمایه‌گذاران هرچه دقت و کیفیت اطلاعات ارائه شده از سوی شرکت (صورتهای مالی) بالاتر باشد، ریسک اطلاعاتی آن شرکت، پایین‌تر خواهد بود. همچنین مزیت اطلاعاتی مرتبط با شفافیت صورتهای مالی این است که آگاهی سرمایه‌گذاران افزایش یافته و منجر به افزایش اعتماد سهامداران شده و

۱. Beattie, McInnis and Fernley
۲. bushman, Pitotroski and smith
۳. Andrade, Bernile and Frederick
۴. Francis, Khurana and Pereira
۵. Yu

هزینه سرمایه شرکت کاهش می‌یابد. شفافیت پایین و عدم تقارن اطلاعاتی باعث سردرگمی و ناآگاهی سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران می‌شود. شفافیت پایین موجب می‌شود اطلاعات کافی برای ارتباط برقرار کردن با سرمایه‌گذاران وجود نداشته باشد و یک عدم تقارن اطلاعاتی بین آنهایی که آگاهی دارند و آنهایی که دسترسی به اطلاعات کافی ندارند شکل گیرد که در نهایت منجر به افزایش صرف ریسک اطلاعات می‌شود. اطلاعات مالی که قابلیت اتکا و شفافیت پایینی دارند، عدم اطمینان سهامداران را افزایش داده و جذابیت سهام را کاهش می‌دهد. مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه همیشه به دنبال اطلاعات مالی با کیفیت هستند زیرا این اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت شرکت و سرمایه‌گذاران بیرونی را کاهش می‌دهد (نوروش و حسینی ۱۳۸۸). شواهد تجربی نشان می‌دهد که سیاست افشای وسیع و شفاف، سازوکاری است که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بیرونی را کاهش می‌دهد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). مطالعاتی که کیفیت و کمیت افشا را بررسی می‌کنند مبتنی بر اندازه‌گیری کیفیت و عمق اطلاعات قرار دارند، یعنی در نظر گرفتن این سؤال که آیا افشا؛ فهم استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را بهبود می‌بخشد؟ (والاس، ناصر و مورا^۱ ۱۹۹۴ و پالمر^۲ ۲۰۰۸).

۲) مبانی نظری پژوهش

۲-۱) شفافیت اطلاعات مالی

افشا یکی از اصول اساسی حسابداری است که بر کلیه جوانب گزارشگری مالی تأثیر دارد. اصل افشا ایجاب می‌کند که کلیه واقعیت‌های بااهمیت مربوط به رویدادها و فعالیت‌های مالی واحد تجاری به شکل مناسب و کامل گزارش شود. براساس این اصل، صورت‌های مالی اساسی باید حاوی تمامی اطلاعات بااهمیت، مربوط و به‌موقع بوده و این اطلاعات به‌گونه‌ای قابل فهم و حتی‌الامکان کامل ارائه شود تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم سازد (نشریه ۷۶ سازمان حسابرسی ۱۳۷۲). افشا عبارت از توزیع عمومی اطلاعات به صورت داوطلبانه یا در رعایت قوانین و مقررات وضع شده، است؛ هرچند که این اطلاعات عرفاً می‌تواند محرمانه نگهداری شود (مدیروس و کویتریو^۳، ۲۰۰۵). البته منظور حسابداران از افشای اطلاعات، محدود به انتشار اطلاعات مالی واحد تجاری در قالب گزارش‌های مالی است (هندریکسن و ون‌بردا^۴، ۱۹۹۲). با وجود این که واژه "شفافیت" در سیستم‌های افشای اطلاعات مالی و نیز در استانداردهای حسابداری کاربرد فراوانی دارد، ولی در رابطه با این واژه تعریف مشترکی که همگان در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد. به عنوان نمونه، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) شفافیت را همان استانداردهای مناسب و مطلوب حسابداری می‌داند که صورتهای مالی تهیه شده بر اساس آنها رویدادهای مالی را در همان دوره وقوع گزارش می‌نمایند. از نظر پونال و شیپر^۵ (۱۹۹۹) شفافیت به استانداردهایی اطلاق می‌گردد که رویدادها، معاملات قضاوت‌ها و برآوردهای ساختاری صورتهای مالی را به نمایش می‌گذارند. در تعاریفی دیگر، شفافیت در قالب ترکیب ویژگی به‌هنگام بودن و محافظه‌کاری تفسیر شده است (بال و همکاران^۶ ۲۰۰۰). ولی در هر صورت شفافیت و افشای کامل و صادقانه اطلاعات در کارکرد مطلوب یک بازار کارای سرمایه

۱. Wallace, Naser and Mora
۲. Palmer
۳. Medeiros and Quinteiro
۴. Henriksen and Vnbrda
۵. Pownall and Schipper
۶. Ball, Kothari and Robin

سرمایه عاملی کلیدی می‌باشند. در این بخش دو مدل رایج در رابطه با شفافیت شرکت ارائه می‌شود (۱) مدل بوشمن و اسمیت^۱ (۲۰۰۱) و (۲) مدل دیپازا و ایکلس^۲ (۲۰۰۲).

۱. بوشمن و همکاران در سال ۲۰۰۱ چارچوبی مفهومی برای ویژگی‌های شفافیت شرکت ارائه دادند. در این مدل شفافیت عبارت است از وجود اطلاعات در رابطه با وضعیت مالی، عملکرد دوره‌ای، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و ریسک و ارزش شرکت‌ها در اقتصاد. در این چارچوب شفافیت دارای سه جنبه اصلی است (۱) گزارشگری شرکت (داوطلبانه یا اجباری)، (۲) انتشار اطلاعات (از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اینترنتی) و (۳) کسب اطلاعات محرمانه (و تعامل با تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران نهائی و دارندگان اطلاعات محرمانه).

جنبه اول در این مدل همان کیفیت گزارشگری شرکت می‌باشد، دومین جنبه از شفافیت؛ انتشار اطلاعات می‌باشد که شامل توزیع اطلاعات از طریق انواع کانالهای رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اینترنتی است و سومین جنبه از شفافیت شرکت به کسب اطلاعات محرمانه و ارتباط با تحلیلگران مالی، سهامداران نهادی و دارندگان اطلاعات محرمانه می‌پردازد.

۲. در سال ۲۰۰۲ دی پیازا و ایکلس مدل دیگری برای شفافیت شرکت ارائه نمودند. شفافیت شرکت در رابطه با اطلاعات را در سه سطح نمایش می‌دهد، این سطوح به شرح زیر می‌باشند:

سطح اول- مجموعه اصول پذیرفته شده حسابداری در سطح جهانی^۳

سطح دوم- استانداردهایی که برای ارزیابی و گزارش عملکرد در سطح صنایع و خاص هر صنعت تهیه می‌شوند^۴

سطح سوم - اطلاعات مخصوص شرکت شامل سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی شرکت، طرح‌ها و برنامه‌ها، مدیریت ریسک، سیاست‌های پرداخت، شاخص‌های عملکرد خاص، و نظام راهبری شرکت.

در این مدل، هدف ارائه اطلاعات در سه سطح ناپیوسته و غیریکنواخت نیست، بلکه هدف آن است که این مطلب تفهیم شود که سرمایه‌گذاران تنها زمانی از اطلاعات منتفع می‌شوند که شرکت‌ها اطلاعات را در سه سطح مذکور به شکل یکپارچه ارائه نمایند (مشایخی، ۱۳۸۷).

اگر مدیران شرکت‌ها اطلاعات خصوصی را در اختیار بگیرند به عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه انتخاب نامساعد و خطر اخلاقی منتج می‌شود. هیلی و پالپو^۵ (۲۰۰۱) معتقدند که شرکت‌ها می‌توانند از طریق گزارشگری مالی و افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهند. مزایای بالقوه افشا و شفافیت بیشتر می‌تواند شامل هزینه سرمایه کمتر (بتوسان^۶، ۱۹۹۷؛ دیاموند و ورشیا^۷، ۱۹۹۱)، کاهش هزینه‌های نمایندگی (لفویچ، واتس و زیمرمن^۸، ۱۹۸۱)، بهبود قیمت سهام (گلب و زاروین^۹، ۲۰۰۲؛ لانگ و لاندلم^{۱۰}، ۲۰۰۰) و افزایش ارزش

۱. Bushman and Smith

۲. Dipiazza and Eccles

۳. Global GAAP

۴. Industry – based standards

۵. Healy and palepu

۶. Botosan

۷. Diamond and Verrocchia

۸. Leftwich, Watts and Zimmerman

۹. Gelb and Zarowin

۱۰. Long and Lundholm



شرکت (چن، سو و وو^۱، ۲۰۱۰) باشد. افشای کافی اطلاعات توسط شخصیت اقتصادی، به سرمایه‌گذاران و بستانکاران در جستجوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری یاری می‌کند و بدین ترتیب سرمایه به کاراترین شرکت‌ها روانه می‌شود (مهرآذین، مسیح‌آبادی و دهنوی، ۱۳۹۱). پژوهشگران در شناسایی عوامل مهم و مؤثر بر کیفیت افشا و محاسبه شفافیت اطلاعاتی همواره با مشکل روبه‌رو بوده‌اند. به هر حال تحقیقات تجربی از عوامل متعددی برای ارزیابی و کمی کردن افشا و شفافیت اطلاعات استفاده کرده‌اند، این عوامل شامل اندازه شرکت (لوبو و محمود^۲، ۱۹۸۹)، پیش‌بینی تحلیلگران (دمسی^۳، ۱۹۸۸؛ بتوسان، ۱۹۹۷)، سیستم‌های رتبه‌بندی افشا (بتوسان، ۱۹۹۷؛ گلب و زاروین، ۲۰۰۲)، ساختار مالکیت (فان و وانگ^۴، ۲۰۰۲) و سرمایه‌گذاری بلندمدت در سهام (لین، هیانگ، چانگ و تسنگ^۵، ۲۰۰۷) است. صورت‌های مالی توأم با ابهام و فاقد شفافیت، شفافیت، اعتماد سهامداران و سرمایه‌گذاران را کاهش داده و انگیزه آنها برای سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد. (قائمی و علوی، ۱۳۹۱)

استفاده کنندگان اطلاعات مالی خواهان اطلاعات مفید، قابل اتکا به‌موقع و در دسترس هستند تا به تصمیمات سرمایه‌گذاری بپردازند (مادهوان، پورتر و ویور^۶، ۲۰۰۴). از نگاه نظریه مباشرت نیز برای ارزیابی عملکرد مدیریت به اطلاعاتی نیاز است که از آن طریق بتوان عملکرد مدیریت را ارزیابی کرد. در صورتی که این اطلاعات غیرواقعی و واهی باشد، تصمیمات سرمایه‌گذاری و ارزیابی عملکرد نیز نادرست خواهد بود. افشای شفاف اطلاعات مالی نه تنها درباره یک شرکت بلکه در مجموع بر کل بازار سرمایه نیز مؤثر است. شفافیت در بهبود و افزایش کارایی اطلاعات بازار نقش بسزایی دارد. نوسان‌ها در ریسک مرتبط با تصمیم‌گیری و اعتماد مشارکت کنندگان بازار به جریان اطلاعاتی مرتبط با شرکت‌ها را می‌توان با افزایش شفافیت اطلاعات ارائه شده به بازار بهبود بخشید (کولزیک^۷، ۲۰۰۴). حتی اگر کلیه مشارکت کنندگان بازار از میزان شفافیت اطلاعات ارائه شده آگاهی نداشته باشند، ایجاد جو عمومی اعتماد در بازار مبنی بر شفافیت اطلاعات ارائه شده و عبور آنها از فیلترهای رسمی که در مورد شفافیت آنها اطمینان نسبی دهد، در افزایش و بهبود کارایی بازار سرمایه نقش مهمی خواهد داشت (حقیقت و علوی، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر سوء استفاده و تقلب در شرکت‌ها، گزارشگری مالی نادرست و ضعف در مدیریت شرکت‌ها که عامل مهمی در رسوایی‌های دهه اخیر بود، به تدریج رواج یافته است (الیوت، کریش، مارک و سوسان^۸، سوسان^۸، ۲۰۱۰) در ایران نیز نبود رابطه منطقی بین سودآوری، قیمت، و بازده سهام شرکت‌ها و کسب بازده‌های غیرعادی سهام در مقاطع مختلف نشان دهنده شفافیت ناکافی در گزارشگری مالی شرکت‌های بورسی است و این امر در پاره‌ای از زمان‌ها باعث خروج سرمایه از بورس شده است. هر چند در سال‌های اخیر در ایران با وضع قوانین و مقررات به خصوص قانون بازار سرمایه در سال ۸۴ و تشکیل نهادهای نظارتی، مانند اداره نظارت بر حسابرسان معتمد و گزارشگری مالی و هیأت

۱. Chen, Su and Wu
۲. Lobo and Mohmoud
۳. Dempsey
۴. Fan, J. P.H., and Wong
۵. Lin, Huang, Chang and Tseng
۶. Madhavan, porter and Weaver
۷. Kulzick
۸. Elliott, Krische, Susan and Mark

نظارت بر نهادهای مالی در سازمان بورس و اوراق بهادار، تلاش‌های زیادی برای افزایش شفافیت اطلاعات مالی و ناشران مالی صورت گرفته است، با وجود این، هنوز این امر در ابتدای مسیر است. بدون شک، اگر هرگونه اطلاعات محرمانه و نهائی به طور کامل و شفاف افشا شود، نه تنها اطمینان سهامداران را جلب می‌کند، بلکه اشتیاق بیشتری برای سرمایه‌گذاری و افزایش رشد بازار به وجود می‌آید. (حقیقت و علوی، ۱۳۹۲)

۲-۲) شاخص‌های کیفیت حسابرسی

وقوع بحران‌های مالی اخیر، نقش حیاتی و مهم گزارشگری مالی معتبر و باکیفیت را پررنگ و ضرورت توجه به نقشی که «کیفیت حسابرسی» در ارتقای گزارشگری مالی دارد را بیش از پیش نمایان نموده است. دستیابی به کیفیت بالای گزارشگری مالی، بستگی به درستی و صحت عمل هر یک از حلقه‌های زنجیره عرضه گزارشگری مالی دارد و حسابرسی مستقل به عنوان یکی از حلقه‌های این زنجیر، نقش عمده‌ای در حفظ و تقویت کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند (حسابرسی بین‌المللی و هیأت استانداردهای تضمین، ۲۰۱۱). همچنین، خدمات حسابرسی نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (بیتی، ۱۹۸۹) (کاهش مسائل نمایندگی بین مدیران و سهامداران و بین سهامداران و اعتباردهندگان (جنسن و مک لینگ، ۱۹۷۶) ایفا می‌کند. تحقق این نقش‌های اساسی بستگی به «کیفیت حسابرسی» دارد (الاجمی، ۲۰۰۹). اگرچه مسئولیت حسابرسان در برابر کیفیت حسابرسی به عنوان یکی از مفروضات رفتاری حسابرسی مورد پذیرش قرار گرفته است. (حساس یگانه، ۱۳۸۴). اما تاکنون کمتر تعریفی جامع و روشن از کیفیت حسابرسی که مورد قبول همگان باشد به عمل آمده است شاید بتوان چنین وضعیتی را با توجه به اینکه مسئولیت حسابرسان در هر مقطعی از زمان در چارچوبی از انتظارات عمومی قابل تفسیر است، و نیز با توجه به اینکه کیفیت حسابرسی یک ایده مفهومی است که نمی‌توان آنرا به صورت مستقیم مورد مشاهده قرار داد، توجیه نمود (لین و لیو، ۲۰۰۹).

دی‌آنجلو^۱ (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را سنجش و ارزیابی بازار از توانایی حسابرسان در کشف تحریفات با اهمیت و گزارش تحریف‌های کشف شده تعریف کرده است همچنین، او تأکید کرده است حسابرسی که موارد نادرست را کشف و گزارش کند، به معنای واقعی کلمه حسابرسان مستقل است. بنابراین، طبق تعریف دی‌آنجلو کیفیت حسابرسی، افزایش توانایی حسابرسان در کشف تحریف‌های حسابداری و ارزیابی توانایی و استقلال حسابرسان توسط بازار است (حساس یگانه و آدین‌فر، ۱۳۸۹). برای نمونه ژو کیفیت حسابرسی را به شکل خاصی معادل با کیفیت استانداردهای حسابداری و حسابرسی و الزامات گزارشگری و افشای آنها می‌داند. با این حال مرور ادبیات موجود حسابرسی حاکی از آن است که این نظرات، به اندازه دیدگاه آنجلو مورد توجه و پذیرش عمومی قرار نگرفته‌اند (والاس و همکاران، ۱۹۹۴). سایرین نظیر واتز و زیمرمن و لی و همکاران نیز بر تعاریف ارائه شده توسط دی‌آنجلو تأکید نموده و سبب شدند که تعریف مفهومی مزبور بیش از هر تعریف دیگری در ادبیات حسابرسی مورد توجه قرار گیرد. پالمروس^۲ (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را ایجاد اطمینان از صورتهای مالی و احتمال آن تعریف کرده است که صورتهای مالی هیچ تحریف با اهمیتی نداشته باشد. در عمل از این تعریف به عنوان نتیجه حسابرسی استفاده می‌شود. با توجه به جایگاه و نقش حسابرسان در تصمیمات استفاده‌کنندگان، تخصص حسابرسان در صنعت و اندازه مؤسسه حسابرسی به عنوان عامل کلیدی در تهیه گزارش‌های حسابرسی، مورد توجه

۱. DeAngelo
۲. Palmrose

استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. طبق مبانی نظری انتظار می‌رود تخصص حسابرس در صنعت و اندازه مؤسسه حسابرسی باعث افزایش سرعت گزارش حسابرسی گردد (پورحیدری، برهانی‌نژاد و محمدرضاخانی، ۱۳۹۴). مطالعات پیشین نشان می‌دهند که کیفیت حسابرسی و کیفیت افشا، به طور بالقوه بیش سرمایه‌گذاری و کم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و از این رو به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. چندین سازوکار وجود دارد که نشان می‌دهد، کیفیت حسابرسی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. ابتدا، کیفیت بالای صورتهای مالی می‌تواند، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران را کاهش و نقدینگی بازار سرمایه را افزایش دهد. بدین ترتیب، کیفیت حسابرسی می‌تواند هزینه‌های تأمین مالی ناشی از انتخاب ناسازگار را کاهش دهد و همچنین تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت و پروژه‌هایی با بازده بالا را تسهیل بخشد (بادآورندهی و تقی‌زاده‌خانقاه، ۱۳۹۲). از آنجا که کیفیت حسابرسی، عدم تقارن اطلاعاتی را بین مدیران و سهامداران کاهش می‌دهد، احتمال این تفکر کاهش می‌یابد که سرمایه‌گذاران فرض کنند شرکت‌ها به دلیل فقر مالی دست به انتشار اوراق بهادار زده‌اند و بنابراین، تأمین‌کنندگان سرمایه، ارزش‌های جاری شرکت‌ها را به‌درستی تعیین می‌کنند و در نتیجه هزینه‌های تأمین مالی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب، کیفیت بالای ارقام حسابرسی شده با کاهش هزینه‌های تأمین مالی ناشی از انتخاب ناسازگار سهامداران، به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. به‌علاوه، کیفیت حسابرسی، نه تنها برای طراحی قراردادهای جبران خدمات به‌کار می‌رود، بلکه منبع اطلاعاتی مهمی است که سهامداران از این طریق می‌توانند بر عملیات مدیران نظارت کافی داشته باشند و به‌طور چشمگیری به کاهش مشکلات نمایندگی بین سهامداران و مدیران کمک کنند. در نهایت زمانی که منابع اطلاعاتی شرکت ناهمگن است، اطلاعات حسابداری می‌تواند به ایفای نقش نظارتی بازار سهام کمک کند و در نتیجه به کاهش مشکلات نمایندگی بین سهامداران و مدیران یاری رساند، ظرفیت نظارتی سهامداران را افزایش دهد، انتخاب پروژه‌ها را بهبود بخشد و هزینه‌های تأمین مالی را کاهش دهد و بدین ترتیب کارایی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد (لی و وانگ، ۲۰۱۰).

۲-۳) اندازه حسابرس

برخی تحقیقات به بررسی رابطه بین اندازه شرکت صاحبکار و کیفیت حسابرسی پرداخته‌اند و در ارتباط با آن نظرات مختلفی وجود دارد. شرکت‌های بزرگ به علت اینکه اعتبار و شهرت برای آنها بسیار مهم‌تر از شرکت‌های کوچک است، تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر در آنها بیشتر است (چوی، کیم، لیو و سیمونیک، ۲۰۰۸). شرکت‌ها وقتی بزرگتر می‌شوند میزان دستکاری سود و انتقال ثروت در آنها افزایش می‌یابد و در نتیجه نیاز به کنترل و نظارت در آنها بیشتر است. بنابراین تقاضا برای خدمات حسابرسی با کیفیت‌تر در شرکت‌های بزرگ بیشتر است (حساس یگانه و حیدری، ۱۳۸۷). مؤسسات بزرگ حسابرسی به دلیل شهرت زیاد، از حساب‌رسان متبحر و آموزش دیده و کنترل کیفی قوی‌تری برخوردار هستند. هرچه مؤسسه‌ی حسابرسی از شهرت و بزرگی بیشتری برخوردار باشد، حق‌الزحمه بیشتری را از آن خود خواهد کرد. حق‌الزحمه‌ای که به یک مؤسسه‌ی حسابرسی بزرگ پرداخت می‌شود، بیشتر از حق‌الزحمه‌ای است که به مؤسسات حسابرسی کوچک پرداخت می‌شود. زیرا مؤسسات حسابرسی بزرگ کار را با کیفیت بیشتری در مقایسه با مؤسسات حسابرسی کوچک انجام می‌دهند. همچنین، صاحبکاران بزرگ دارای امکانات و ثروت بیشتری هستند و در هنگام ورشکستگی احتمال دارد علیه مؤسسه‌ی حسابرسی اقامه‌ی دعوی کنند. چنین ریسک بالایی سبب می‌شود که مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی برای خنثی کردن اثر مخاطرات زیاد، حق‌الزحمه‌ی حسابرسی بیشتری را مطالبه کنند و در نهایت، مؤسسه‌های حسابرسی بزرگ رقابت

۱. Li and Wang

۲. Choi, Kim, Liu and Simunic

کمتری در را مقایسه با مؤسسات کوچک احساس می کنند. زیرا، مؤسسات بزرگ حسابرسی به دلیل در اختیار داشتن سهم بیشتری از بازار می توانند نرخ حق الزحمه حسابرسی را نیز تعیین کنند. افزون بر این، اندازهی شرکت نمایانگر اهرم شرکت، توان رقابتی شرکت، توانایی بالای مدیریت، کارایی اطلاعات و در نهایت ریسک کلی شرکت است شرکت های بزرگ دارای کنترل داخلی قوی، کار حسابرسی پیچیده و نیز حق الزحمه ی بیشتر برای حسابرسان هستند. از سوی دیگر، شرکت های کوچک حق الزحمه ی کم می پردازند اما، کارشان هم ساده تر است (سجادی و ابراهیمی مند، ۱۳۸۵). نتایج حاصل از مطالعاتی که به بررسی تعیین به موقع بودن گزارش حسابرسی در هر دو بخش عمومی و خصوصی پرداختند نشان داد که اندازه حسابرس می تواند به موقع بودن گزارش حسابرس را بهبود بخشد. با این حال اطلاعات کمی درباره نقش تخصص حسابرس در صنعت در بهبود مدت زمان گزارش حسابرسی وجود دارد. این چنین استدلال می شود که تخصص حسابرسان در صنعت خاص می تواند باعث افزایش کیفیت خدمات حسابرس در آن صنعت و در نتیجه موجب بهبود عملکرد در خصوص مدت زمان گزارش حسابرسی گردد (پورحیدری، برهانی نژاد و محمدرضاخانی، ۱۳۹۴).

۲_۴) تخصص حسابرس در صنعت

از آنجا که حالات مختلف تخصص حسابرس در صنعت به طور مستقیم قابل مشاهده نیست، تحقیقات گذشته شاخص های مختلفی را برای اندازه گیری تخصص حسابرس در صنعت به کار گرفته است. رویکردهای سهم بازار و سهم پرتفوی غالباً به عنوان شاخص هایی برای تخصص حسابرس در صنعت مورد استفاده قرار می گیرد (اعتمادی، آذر و ناظمی اردکانی، ۱۳۸۹). رویکرد سهم بازار، متخصص صنعت را به عنوان یک مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقیبان خود از نظر سهم بازار در هر صنعت خاص متمایز کرده است، تعریف می کند. این رویکرد فرض می کند که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسات حسابرسی که به یک صنعت خاص ارائه خدمت می کنند، می توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی پی برد. مؤسسه ای که سهم بزرگتری از بازار را در اختیار دارد از دانش تخصصی بالاترین در مورد آن صنعت خاص برخوردار است (آقایی و ناظمی، ۱۳۹۱). حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند، به دلیل داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت، می توانند حسابرسی را با کیفیت بیشتری انجام دهند. افزون بر این، هرچه مؤسسه حسابرسی تجربه بیشتری در صنعت خاصی کسب کند، به دلیل افزایش حسن شهرت، علاقه بیشتری به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت برتر پیدا می کند (لی و وانگ، ۲۰۰۴). حسابرسان متخصص، به دلیل برخورداری از دانش تخصصی از شرایط صنعت صاحبکار، توانایی بیشتری در ارائه حسابرسی با کیفیت تر برای کاهش ریسک اطلاعاتی دارند لانگ و لاندلم، ۲۰۰۰؛ دیبازا و ایکلس، ۲۰۰۲). با افزایش تخصص حسابرس، توانایی او برای درک مشکلات صنعتی که صاحبکار در آن فعالیت می کند، افزایش می یابد و موجب می شود گزارش های مالی و اطلاعات حسابداری مطلوب تری ارائه شود.

۲_۵) نوع حسابرسی

در این پژوهش منظور از نوع حسابرس، تمایز بین سازمان حسابرسی و سایر مؤسسه های حسابرسی می باشد. با توجه به اینکه سازمان حسابرسی یک نهاد حسابرسی دولتی در بازار سرمایه ایران است که وظیفه حسابرسی درصد بالایی از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بر عهده دارد به عنوان مؤسسه حسابرسی قوی و بزرگ در نظر گرفته می شود و انتظار می رود که با توجه به جایگاهی که دارد حسابرسی با کیفیت تری ارائه نماید. به علاوه، به واسطه ساختار دولتی و انتخاب قهری، این سازمان در پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه ای از حاشیه امنیتی برخوردار

است که توانسته در عرصه رقابت با سایر مؤسسه‌های غیردولتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد. بنابراین انتظار می‌رود این سازمان، همانند چهارمؤسسه بزرگ حسابرسی دنیا که به نسبت سایر رقبا در عرصه بین‌المللی دارای خدمات حرفه‌ای می‌باشد، در بازار خدمات حسابرسی در ایران نسبت به سایر رقبا کیفیت کار بیشتری داشته باشد (داروغه حضرتی، ۱۳۸۹).

۲_۶) رتبه مؤسسه حسابرسی

سازمان بورس و اوراق بهادار تهران بر طبق دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و اشخاص موضوع ماده ۱۰ این دستورالعمل که در سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید، هر سال یکبار این مؤسسات حسابرسی را بر طبق معیارهای زیر تقسیم‌بندی می‌نمایند.

معیارهای عادی:

۱. ارزیابی شرکا ۲. ارزیابی کارکنان مؤسسه حسابرسی ۳. ارزیابی ساختار و سازمان مؤسسه ۴. ارزیابی تنوع ارائه خدمات، اطلاع‌رسانی و موقعیت در بازار حرفه‌ای ۵. ارزیابی کیفیت خدمات معیارهای تخلفاتی شامل:
۱. سوابق تخلفاتی مؤسسه حسابرسی طی پنج سال اخیر ۲. سوابق تخلفاتی شریک مؤسسه حسابرسی طی پنج سال اخیر امتیاز نهایی هر مؤسسه حسابرسی از حاصل جمع این امتیازها حاصل می‌شود بر این اساس، سازمان بورس و اوراق بهادار بر این اساس مؤسسات معتمد بورس را به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" دسته‌بندی می‌کند. طبق این رتبه‌بندی مؤسسات گروه "اول" مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی و به احتمال زیاد باید کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت حسابرسان معتمد سایر گروه‌ها داشته باشند. در واقع می‌توان گفت که در نبود هیچ معیاری برای کیفیت حسابرس در ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار رتبه‌بندی را معیاری برای تمایز کیفیت حسابرسان در کشور مطرح کرده است. باتوجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار، می‌توان پیش‌بینی کرد که مؤسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" باید منابع انسانی (کارکنان و شرکای حسابرسی) با تجربه و کافی، سیستم کنترل کیفیت مناسب، تعداد مشتریان زیاد و استقلال بیشتری داشته باشند. باتوجه به یافته‌های پژوهش‌های قبلی، حسابرسانی که چنین خصوصیتی دارند به احتمال زیاد می‌توانند حسابرسی با کیفیتی داشته باشند (محمدرضایی، ۱۳۹۴).

۳) پیشینه تجربی

۳_۱) پژوهش‌های داخلی

پورحیدری، برهانی‌نژاد و محمدرضاخانی (۱۳۹۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر به‌موقع بودن گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین تخصص حسابرس در صنعت و به‌موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بین اندازه حسابرسی و به‌موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط معناداری وجود ندارد. در ضمن، بین اندازه شرکت، فرصت‌های رشد و بازده دارایی‌ها با به‌موقع بودن گزارش حسابرس ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ولی بین اهرم مالی و به‌موقع بودن گزارش حسابرس ارتباطی مشاهده نگردید.

واعظ، رمضان احمدی و رشیدی باغی (۱۳۹۳)، به دنبال بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر حوالزحمه حسابرسی بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد بین تخصص مؤسسات حسابرسی و حوالزحمه‌ی حسابرسی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج این پژوهش مبین این است که عوامل تداوم انتخاب حسابرس و اندازه‌ی مؤسسه‌ی حسابرسی رابطه‌ی مثبت و معناداری با حوالزحمه‌ی حسابرسی دارند.

بادآور و تقی‌زاده (۱۳۹۲) رابطه بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. نتایج نشان داد که کیفیت حسابرسی با بهبود محیط اطلاعاتی و کاهش انتخاب نادرست و خطر اخلاقی در تصمیم‌گیریهای مدیریت، به اثربخشی تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری مدیریت در بهبود پروژه‌ها و درنهایت به کارایی سرمایه‌گذاری‌های شرکت کمک می‌کند.

حقیقت و علوی (۱۳۹۲)، به دنبال بررسی رابطه بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده‌اند که یافته‌های اینان نشان می‌دهد ارتباط منفی و معنی‌داری بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام با و بدون وجود متغیرهای کنترلی در محیط بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

مهرآذین، مسیح‌آبادی و دهنوی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین محتوای اطلاعاتی سود و سطوح شفافیت اطلاعات مالی در ایران پرداخته‌اند، یافته‌ها حاکی از این است که شرکت‌های با شفافیت اطلاعاتی کم، سود محتوای اطلاعاتی بیشتری برای بازار دارند. همچنین در شرکت‌های با شفافیت زیاد، محتوای اطلاعاتی سود کمتر است. نتایج فوق مؤید این است که در شرکت‌های شفاف‌تر، اطلاعات مرتبط با سود پیشاپیش در قیمت سهام لحاظ می‌شود. از این رو محتوای اطلاعاتی سود در این شرکت‌ها نسبت به دیگر شرکت‌ها کمتر است.

رحیمیان و همکاران (۱۳۹۰)، بر روی مطالعه‌ای که بر روی ۶۱ شرکت طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای سطوح بالاتر از مالکیت نهادی، از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار می‌باشند. همچنین یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت نهادی موجب کاهش در کیفیت حسابرسی می‌گردد.

ثقفی و معتمدی فاضل (۱۳۹۰)، به بررسی رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری بالا پرداختند، نتایج حاصل از تحقیق آنها نشان داد چنانچه شرکت‌های با امکانات سرمایه‌گذاری زیاد، از حسابرسان با کیفیت بالاتر استفاده کنند سطح بالاتری از کارایی سرمایه‌گذاری را تجربه خواهند کرد. این در حالی است که کیفیت حسابرسی بالاتر، بر خلاف انتظار، تأثیری در کاهش دستکاری در اقلام تعهدی اختیاری ندارد.

اعتمادی و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت واقعی سود و تأثیر آن بر عملکرد عملیاتی آتی شرکت‌های دارای حسابرس متخصص صنعت و درگیر در مدیریت واقعی سود پرداختند. در این تحقیق از رویکرد سهم بازار به منظور تعیین حسابرس متخصص صنعت و از دستکاری فروش کاهش هزینه‌های اختیاری و اضافه تولید به عنوان معیارهای مدیریت واقعی سود بهره گرفته شده است. همچنین، برای اندازه‌گیری عملکرد عملیاتی از بازده دارایی‌ها استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد شرکت‌هایی که حسابرس آنها، متخصص صنعت است دارای سطح بالاتر مدیریت واقعی سود نسبت به سایر شرکت‌ها هستند ولی عملکرد عملیاتی آتی آنها کاهش نمی‌یابد.

۳_۲ پژوهش‌های خارجی

کالین و خان^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود، به بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری و تأخیر در اثرگذاری این اطلاعات بر قیمت سهام و رابطه آن با بازده آتی سهام پرداختند. آنان بیان کردند که هرچه کیفیت حسابداری کاهش پیدا کند، میزان ارتباط و قابل اتکا بودن آن کاهش پیدا می‌کند و به دنبال آن، دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی و بازده، برای سرمایه‌گذاران کاهش می‌یابد.

نتایج تحقیق چیانگ و لین^۲ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که هنگامی که صورت‌های مالی شرکت‌ها توسط حسابرسان با کیفیت بالا و متخصص صنعت حسابداری می‌شوند، سطح و کیفیت افشا اطلاعات این شرکت‌ها نسبت به سایرین افزایش می‌یابد. لارنس، مینوتی‌مزا و ژانگ^۳ (۲۰۱۱) در تحقیقی به دنبال این مسئله بوده اند که آیا می‌توان تفاوت کیفیت حسابداری چهار مؤسسه بزرگ در مقابل چهار مؤسسه غیربزرگ را به مشخصات صاحبکاران نسبت داد؟ نتایج این تحقیق نشان داد که تفاوت بین چهار مؤسسه بزرگ و چهار مؤسسه غیربزرگ حسابرسان تا حد زیادی با خصوصیات صاحبکاران و به طور خاص با اندازه صاحبکار منطبق است.

چن و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی وجود شفافیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس چین پرداختند. آنها با بررسی ۱۰۰ شرکت طی سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ و با استفاده از شاخص‌های طراحی شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان دادند که ارتباط معناداری بین معیار شفافیت به کار گرفته شده و ارزش سهام شرکت‌ها وجود دارد که نشانگر وجود شفافیت در بورس چین است.

آندراده و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی رابطه بین شفافیت صورت‌های مالی و هزینه بدهی پرداختند. آنها شواهدی ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد با افزایش شفافیت گزارشگری مالی، هزینه بدهی شرکت کاهش می‌یابد. آنها دریافتند بهبود کیفیت گزارشگری مالی درک شده توسط سرمایه‌گذاران، باعث صرفه جویی مبلغ قابل توجهی در هزینه‌های مالی شرکت می‌شود و دریافتند که میزان شفافیت صورت‌های مالی بر قیمت‌گذاری قراردادهای بدهی تأثیرگذار است.

لذا با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، پنج فرضیه به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: رابطه معناداری میان تجدید ارائه صورتهای مالی و شفافیت اطلاعات وجود دارد.

فرضیه دوم: رابطه معناداری میان تخصص حسابرس در صنعت و شفافیت اطلاعات وجود دارد.

فرضیه سوم: رابطه معناداری میان رتبه‌بندی مؤسسه حسابداری و شفافیت اطلاعات وجود دارد.

فرضیه چهارم: رابطه معناداری میان اندازه حسابرس و شفافیت اطلاعات وجود دارد.

فرضیه پنجم: رابطه معناداری میان نوع حسابرس و شفافیت اطلاعات وجود دارد.

۴) روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی می‌باشد؛ هدف پژوهش کاربردی، توسعه دانش کاربردی در زمینه خاص است. از سوی دیگر، از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی- علی است. اجرای پژوهش‌های توصیفی صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا به منظور یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری می‌باشد. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف پژوهش‌های توصیفی، پژوهش حاضر از نوع همبستگی خواهد بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از «آنالیز رگرسیون چندگانه»

۱. Callen, J. & Khan

۲. Chiang and Lin

۳. Lawrence, Minutti-Meza and Zhang



استفاده شده است. به منظور انجام پژوهش، داده‌های کمی مورد نیاز از صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و سایر گزارش‌های مالی آنها و همچنین نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری در صفحه گسترده اکسل، تلخیص و طبقه‌بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۵) جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۵ ساله (سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳) بوده است. همچنین برای همگن کردن جامعه انتخابی از بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، اعضای جامعه آماری این پژوهش بایستی شرایط ذیل را داشته باشند:

جز صنایع واسطه‌گری‌های مالی و پولی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری نباشند. اطلاعات مالی و مدیریتی آنها طی بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ موجود باشد.

شرکت مورد نظر طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار تهران موجود و تغییر سال مالی نداده باشد.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های بالا، ۲۳۵ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است.

۶) مدل و متغیرهای پژوهش

$$\text{TRANSPARENCE}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{FR}_{i,t} + \beta_2 \text{A SPEC}_{i,t} + \beta_3 \text{A Rank}_{i,t} + \beta_4 \text{A Size}_{i,t} + \beta_5 \text{A Type}_{i,t} + \beta_6 \text{Size}_{i,t} + \beta_7 \text{Growth}_{i,t} + \beta_8 \text{Loss}_{i,t} + \beta_9 \text{A Busy}_{i,t} + \beta_{10} \text{Age}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

سطح شفافیت^۱ (TRANSC): در این تحقیق امتیازهای سامانه رتبه‌بندی کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران، ملاک تفکیک شرکت‌ها به شرکت‌های با سطح شفافیت اطلاعات مالی کم و زیاد است. این در تحقیق گلب و زاوین (۲۰۰۲) و لین و همکاران (۲۰۰۷) نیز به کار رفته است. رتبه‌بندی شرکت‌ها بر اساس زمان ارائه اطلاعات مربوط به پیش‌بینی سود هر سهم، صورتهای مالی حسابرسی نشده ۳،۶ و ۹ ماهه، اظهارنظر حسابرس نسبت به پیش‌بینی سود هر سهم اولیه و ۶ ماهه، اظهارنظر نسبت به صورتهای مالی میان‌دوره‌ای ۶ ماهه، صورتهای مالی حسابرسی نشده پایان سال و تفاوت بین پیش‌بینی‌ها و عملکرد واقعی حسابرسی شده انجام می‌شود؛ هم‌چنین در صورت عدم ارائه بموقع صورتهای مالی حسابرسی شده پایان سال و زمان‌بندی پرداخت سود سهامداران، امتیاز منفی به ازای هر روز تأخیر در نظر گرفته می‌شود (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۸۷).

تجدید ارائه صورتهای مالی^۲ (FR): ارائه مجدد و مستمر اقلام در دوره‌های پی در پی و رواج آن میان شرکت‌ها، به اعتبار صورت‌های مالی آسیب می‌رساند و موجب تخصیص و توزیع ناکارآمدتر و کاهش اعتماد مردم به بازارهای سرمایه می‌گردد (بهارمقدم و دولت‌آبادی، ۱۳۹۱). یکی از دلایل تجدید ارائه صورتهای مالی، موارد ناشی از کیفیت حسابرسی صورتهای مالی می‌باشد که هر اندازه کیفیت و میزان شناخت حسابرس از فعالیت صاحبکار بیشتر باشد؛ احتمال تجدید ارائه صورتهای مالی در سال‌های آتی کمتر می‌گردد (ساعی، باقرپورولاشانی و موسوی‌بایگی، ۱۳۹۲). در این پژوهش، تجدید ارائه صورتهای مالی با استفاده از درصد تغییرات در سود شرکت محاسبه می‌شود.

۱. TRANSPARENCE

۲. Financial Restatement



تخصص حسابرس در صنعت (A SPEC): در این تحقیق با توجه به تحقیقات پالمروس (۱۹۸۶)، فورمن^۱ (۲۰۰۶)، تخصص حسابرس را بر اساس روش سهم بازار اندازه گرفته شده است. برای تعیین حسابرسان متخصص با استفاده از این روش در ابتدا با استفاده از فرمول زیر، سهم بازار مؤسسه حسابرسی در صنایع مختلف به دست می‌آید.

IMS: سهم بازار در صنعت عبارت است از درآمد فروش صاحبکاران مؤسسه حسابرسی i در صنعت k تقسیم بر درآمد فروش تمام صاحبکاران در صنعت k .

با پیروی از سان و لیو^۲ (۲۰۱۲) و اعتمادی، محمدی و ناظمی اردکانی (۱۳۸۸) در ادامه کار با مرتب کردن این مقادیر و مقایسه آن با نقطه برش تعریف شده (۱/۲ * تعداد شرکت های موجود در صنعت/۱) در روش سهم بازار حسابرسان متخصص تعیین می‌شوند. در صورت متخصص بودن حسابرس، متغیر AE مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را می‌پذیرد. رتبه مؤسسه حسابرسی (A Rank): اگر رتبه مؤسسه حسابرسی بر اساس رتبه بندی بورس، الف باشد؛ یک در غیر این صورت صفر است.

اندازه حسابرس (A Size): نسبت فروش صاحبکاران مؤسسه حسابرسی به کل فروش. نوع حسابرس (A Type): به پیروی از اکالی^۳ (۲۰۱۴) و احمدی و جمالی (۱۳۹۲) متغیر برای شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؛ یک و برای شرکت‌هایی که توسط سایر مؤسسات حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، صفر درج شده است.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی کل فروش شرکت.

نرخ رشد شرکت (Growth): تغییر فروش سال جاری نسبت به سال گذشته تقسیم بر فروش سال گذشته.

زیان دهی (Loss): اگر شرکت زیان داشته باشد یک در غیر این صورت صفر.

تراکم کار حسابرس (Busy): اگر پایان دوره مالی شرکت پایان اسفند ماه باشد یک در غیر این صورت صفر.

۶ یافته‌های پژوهش

۶_۱ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی در نگاره شماره (۱) آورده شده است که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزاست. پیش از تحلیل داده‌ها و به منظور کسب شناخت بیشتر درخصوص مشخصات نمونه پژوهش و متغیرهای مورد استفاده در آن، لازم است با استفاده از شاخص‌های مرکزی و شاخص‌های پراکندگی به عنوان دو رکن اساسی آمار توصیفی، به بررسی چگونگی توزیع داده‌ها پرداخته شود. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است. میانگین (انحراف معیار) متغیر شفافیت تقریباً ۷۷/۶۸۷ (۱۹/۸۸۸) است. میانگین (انحراف معیار)

۱. Fureman
۲. Sun and Liu
۳. Okolie

متغیر تجدید ارائه صورتهای مالی نیز تقریباً ۰/۶۶۶- (۱۶/۰۸۷۶) است. میانگین (انحراف معیار) متغیر تخصص حسابرس نیز تقریباً ۰/۲۸۴ (۰/۴۵۱) است؛ این نشان می دهد که تقریباً ۲۹٪ شرکت های مورد مطالعه از حسابرسان متخصص استفاده می کنند. میانگین (انحراف معیار) متغیر رتبه مؤسسه حسابرسی نیز تقریباً ۰/۵۸ (۰/۴۹) است. میانگین (انحراف معیار) متغیر اندازه حسابرس شرکت های نمونه که یکی از شاخص های اندازه گیری کیفیت حسابرسی نیز می باشد؛ تقریباً ۱۰/۸۷۲ (۱۸/۳۵) می باشد. همچنین میانگین (انحراف معیار) متغیر نوع حسابرس شرکت های نمونه که یکی دیگر از شاخص های اندازه گیری کیفیت حسابرسی نیز می باشد؛ تقریباً ۲۲٪ (۴۱٪) می باشد. این نشان می دهد که به طور متوسط تقریباً ۲۲٪ شرکت های نمونه توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته اند. همچنین با نگاهی کلی به نتایج آماره های توصیفی و اینکه در اکثر متغیرهای پژوهش، مقادیر میانه و میانگین نزدیک به هم هستند؛ می توان بیان کرد که تمام متغیرها از توزیع مناسبی برخوردارند.

نگاره ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
شفافیت	۷۷/۶۸۷	۸۳	۱۰۰	۶/۲۷۹	۱۹/۸۸۸	۰	۳/۸۵۷
تجدید ارائه صورتهای مالی	-۰/۶۶۶	۰	۳۹/۴۵۳	-۳۴/۸۲۳	۱۶/۰۸۷	-۱۱/۳۸۸	۲۲۳/۹۵
تخصص حسابرس در صنعت	۰/۲۸۴	۰	۱	۰	۰/۴۵۱	۰/۹۶	۱/۹۲۲
رتبه بندی مؤسسه حسابرسی	۰/۵۷۹	۱	۱	۰	۰/۴۹۴	-۰/۳۲۲	۱/۱۰۳
اندازه حسابرس	۱۰/۸۷۲	۰/۹۶۵	۴۵/۳۵۱	۰	۱۸/۳۵	۱/۳۲۹	۲/۸۰۵
نوع حسابرس	۰/۲۱۴	۰	۱	۰	۰/۴۱	۱/۳۹۶	۲/۹۴۹
اندازه شرکت	۱۳/۰۷۳	۱۳/۰۶۳	۱۹/۰۶۵	۴/۳۶۹	۱/۷۲۴	-۰/۱۴۷	۵/۵۰۸
نرخ رشد شرکت	۰/۴۶۵	۰/۱۷۷	۷۶/۱۲۹	-۰/۹۹۶	۳/۱۲۳	۱۸/۹۲۹	۴۰۶/۰۳۸
زیان دهی	۰/۰۷۲	۰	۱	۰	۰/۲۵۹	۳/۲۹۹	۱۱/۸۸۵
تراکم کار حسابرس	۰/۸۲۱	۱	۱	۰	۰/۳۸۳	-۱/۶۷۶	۳/۸۰۸
عمر شرکت	۲۰/۴۹۸	۱۷	۵۶	۱	۱۲/۵۴۳	۰/۹۲۵	۲/۹۳۸

۲-۶) برآورد مدل پژوهش

از آزمون بروش - پاگان برای آزمودن واریانس ناهمسانی در مدل های رگرسیون خطی استفاده می شود که وابستگی واریانس جملات پسماند به دست آمده از رگرسیون خطی به مقادیر متغیرهای توضیح دهنده مدل، مورد بررسی قرار می گیرد. جهت انجام این آزمون، واریانس ناهمسانی مدل با فرض واریانس همسانی تخمین زده شده و مجذور جملات پسماند روی متغیرهای توضیح دهنده رگرسیون به دست می آید. با استفاده از معادله رگرسیونی ارتباط معنادار میان جملات پسماند و متغیرهای توضیح دهنده مورد آزمون قرار گرفته است. با توجه به نتایج به دست آمده، شرکت ها به عنوان واحد مقطعی به صورت جداگانه و به طور همزمان همراه با زمان (سالها) دارای ارتباط معناداری با متغیرهای توضیح دهنده هستند و بر مدل اثر می گذارند؛ همچنین عامل زمان نیز به تنهایی بر مدل اثر می گذارد.

نگاره ۲- آزمون بروش و پاگان^۱ (ضریب لاگرانژ^۲)

۱. Breusch-Pagan
۲. Lagrang Multiplier

نتیجه	سطح معناداری	آماره بروش	نوع	گروه
شرکت‌ها به صورت	۰	۳۰۸/۰۱۲۷	مقاطع (شرکت‌ها)	فرضیه‌های اول تا پنجم
جدا یا به صورت	۰	۲۳۸/۸۰۳۳	زمان (سال‌ها)	
همزمان اثر گذارند.	۰	۵۴۶/۸۱۶۰	هر دو	

پس از انجام آزمون بروش- پاگان، جهت انتخاب یکی از دو روش برآورد مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت از آزمون چاو^۱ و آماره F لیمر استفاده شده است.

آزمون چاو (F لیمر) و هاسمن: باتوجه به نتایج نگاره ۳، مدل خاصیت پانل‌پذیری داشته؛ به همین دلیل اثرات ثابت و تصادفی متغیرهای وابسته را از نظر قدرت توضیح‌دهندگی باید از نظر آزمون هاسمن مشخص نمود.

نگاره ۳- آزمون چاو برای انتخاب مدل مناسب

نتیجه	آزمون چاو یا F لیمر		
	سطح معناداری	مقدار	آزمون اثرات
مدل با اثرات ثابت یا تصادفی	۰.۰۰۰	۴/۹۴۱۱۴۳	مقدار F
	۰.۰۰۰	۹۴۹/۰۱۶۷۷۱	مقدار کای- دو
	۰.۰۰۰	۸۹۷ و ۲۳۴	درجه آزادی

نگاره ۴- نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	سطح معناداری	مقدار	آزمون اثرات
مدل با اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۱۰	مقدار کای- دو

برای انجام آزمون هاسمن ابتدا مدل را به صورت اثر تصادفی تخمین زده و سپس آزمون هاسمن انجام می‌شود. نتایج آزمون هاسمن در نگاره شماره (۴) آمده حاکی از عدم تأیید اثرات تصادفی در برابر اثرات ثابت است.

۳-۶ نتایج آزمون رگرسیون چندگانه برای مدل پژوهش

در نگاره ۵ مدل با اثرات ثابت برآورد شده است. سطح معناداری F برابر با ۰/۰۰۰ است و این مقدار نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار است. ضریب تعیین برابر با ۰/۶۳۷ است یعنی در حدود ۶۴ درصد از تغییرات کیفیت خدمات حسابرسی شرکت توسط ویژگی‌های شفافیت اطلاعات و متغیرهای کنترلی، تبیین می‌شود. هم‌چنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۳۷ است که اختلاف چندانی با ضریب تعیین نداشته و نشان می‌دهد که رگرسیون کاذبی وجود ندارد. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۰۸۹ شده است. از آنجایی که این عدد در ناحیه بحرانی ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، نشان‌دهنده آن است که بین باقی‌مانده‌ها، خودهمبستگی وجود ندارد.

نگاره ۵- نتایج آزمون رگرسیون چندگانه برای مدل پژوهش

متغیرهای پژوهش	مقدار ضرایب	مقدار آماره t	سطح معناداری
----------------	-------------	---------------	--------------

۱. Chav Test

۰/۰۱	۲/۵۷۴	۴۷/۸۲۵	مقدار ثابت
۰/۲۸۷	-۱/۰۶۶	-۰/۰۳	تجدید ارائه صورتهای مالی
۰/۰۱۹	-۲/۳۵	-۵/۴۰۲	تخصص حسابرس در صنعت
۰/۷۸۸	-۰/۲۶۹	-۰/۳۷۵	رتبه بندی مؤسسه حسابرسی
۰/۲۶۴	۱/۱۱۷	۰/۱۶۵	اندازه حسابرس
۰/۵۹۴	-۰/۵۳۳	-۳/۳۳۱	نوع حسابرس
۰/۵۵۷	۰/۵۸۷	۰/۵۸۸	اندازه شرکت
۰/۶۶۷	-۰/۴۳	-۰/۰۶۶	نرخ رشد شرکت
۰	-۴/۸۰۲	-۱۰/۷۵۷	زیان دهی
۰/۹۱۱	-۰/۱۱۲	-۰/۵۶۸	تراکم کار حسابرس
۰/۰۴۴	۲/۰۱۲	۱/۱۷۵	عمر شرکت
۶/۳۶۲	مقدار F	۰/۶۳۷	ضریب تعیین
۰/۰۰۰	سطح معناداری F	۰/۵۳۷	ضریب تعیین تعدیل شده
		۲/۰۸۹	آماره دوربین واتسون

سطح معناداری آماره t مربوط به متغیرهای تجدید ارائه صورتهای مالی، رتبه بندی مؤسسه حسابرسی، اندازه حسابرس و نوع حسابرس به ترتیب برابر با (۰/۲۷۸)، (۰/۷۸۸)، (۰/۲۶۴)، (۰/۵۹۴) می باشد که همگی بزرگتر از ۰/۰۵ هستند. بنابراین می توان بیان کرد که این شاخص های کیفیت حسابرسی بر شفافیت اطلاعاتی اثر معناداری نمی گذارند. بنابراین فرضیه های اول، سوم، چهارم و پنجم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. اما از آنجا که سطح معناداری آماره t مربوط به متغیر تخصص حسابرس در صنعت کمتر از ۰/۰۵ است (۰/۰۱۹)، لذا می توان بیان کرد که این متغیر بر شفافیت اطلاعات تأثیر می گذارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شود. علامت ضریب این متغیر (-۵/۴۰۲) نشان از اثر منفی و معنادار تخصص حسابرس در صنعت بر شفافیت اطلاعاتی دارد.

۷) نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر شفافیت اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. به طور کلی نتایج یافته های تحقیق نشان می دهد که بین رتبه، اندازه و نوع حسابرس و تجدید ارائه صورتهای مالی به عنوان نتیجه های کیفیت حسابرسی با شفافیت اطلاعاتی رابطه معناداری وجود ندارد؛ ولی بین تخصص حسابرس در صنعت با شفافیت اطلاعاتی رابطه منفی وجود دارد. نتایج این تحقیق بر خلاف سایر تحقیقاتی است که اکثراً در غرب (مانند پالم، ۲۰۰۸) صورت پذیرفته اند. براساس نتایج تحقیق مشاهده می شود که حسابرسان تأثیر کمی بر روی کیفیت گزارشگری مالی دارند. لذا با توجه به اهمیت گزارشگری مالی، به مؤسسات حسابرسی توصیه می شود تا در ارائه خدمات خود دقت بیشتری نموده و خدماتشان را بهبود بخشند تا اثرات حسابرسی آنها بر روی افشا قابل مشاهده شود. به بیان دیگر



در ایران کیفیت حسابرسی عامل تأثیرگذاری بر شفافیت اطلاعاتی و کیفیت افشاء شرکت‌ها نمی باشد. لذا تخصص حسابرس به عنوان معیاری از کیفیت حسابرسی باید با احتیاط مورد بررسی قرار بگیرد.

۸) پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

با توجه به مطالب فوق می توان تحقیقات آتی به شرح زیر را عنوان نمود.

۱. مطالعه و بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و افشا داوطلبانه
۲. مطالعه تاثیر سایر معیارهای کیفیت حسابرسی مانند رتبه کیفیت موسسات و میزان درآمد آنها
۳. استفاده از سایر مدلها و متغیرها برای تعریف عملیاتی کیفیت حسابرسی
۴. استفاده از سایر متغیرها جهت اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی مانند کیفیت افلام تعهدی و
۵. بررسی اثر سایر متغیرها بر شفافیت اطلاعاتی

۹) محدودیت‌های تحقیق

محدودیت مربوط به معیار شفافیت اطلاعاتی است. در تحقیقات گذشته از معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری کیفیت افشا استفاده گردیده است. در ایران با توجه به اینکه امتیازات افشا شرکتی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه می‌گردد، در این تحقیق از این امتیازها در تمایز شرکت‌های باکیفیت بالا از شرکت‌های دارای کیفیت کم استفاده گردیده است. این امتیازها بر اساس ۲ معیار قابلیت اتکا و به موقع بودن افشا می‌باشد. صرفا استفاده از این ۲ معیار شاید منتهی به تورش‌دار شدن نتایج تحقیق گردد. دلیل اصلی این موضوع آن است که در صورت بی‌توجهی به سایر معیارها مانند افشای کامل، قابلیت مقایسه، صحیح بودن و غیره که تحقیقات زیادی به آنها اشاره کردند، ممکن است امتیازات به صورت کلی وضعیت واقعی شرکت را نمایش ندهند.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، محمدرضوان؛ جمالی، کامران. (۱۳۹۲). «تأثیر کیفیت حسابرسی بر بازده آتی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۱-۲۰.
۲. آقایی، محمدعلی و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۱) تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت افلام تعهدی اختیاری"، دانش حسابرسی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
۳. اعتمادی، حسین، آذر، عادل و ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی نقش تخصص حسابرس در صنعت بر مدیریت واقعی سود و عملکرد عملیاتی آتی»، دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱.
۴. اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرس و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۱، شماره ۱ و ۲، صص ۱۷-۳۲.
۵. بهارمقدم، مهدی؛ دولت‌آبادی، مهدیه. (۱۳۹۱). «بررسی مقایسه‌ای کیفیت سود گزارش شده با سود تجدید ارائه شده». تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۴، صص ۱-۱۹.
۶. پورحیدری، امید؛ برهانی‌نژاد، سعیده و محمدرضاخانی، وحید، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر بخت موفق بودن گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله دانش حسابرسی، سال چهارم، شماره ۵۸.
۷. پیری، پرویز و شیخ محمدی، امیر و جوادی، نعمت اله (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اندازه موسسه حسابرسی، تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی. دانش حسابرسی دوره ۱۳ شماره ۵۱.



۸. ثقفی، علی و معتمدی فاضل، مجید (۱۳۹۰). "رابطه میان کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های با امکانات سرمایه گذاری در شرکت های با امکانات سرمایه گذاری بالا"، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۳، شماره ۴ (شماره ی پیاپی ۱۰).
۹. حساس یگانه، یحیی و جعفری، ولی اله (۱۳۸۹). "بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۹، سال سوم.
۱۰. حساس یگانه، یحیی. فلسفه حسابرسی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۱. حساس یگانه، یحیی و آذین فر، کاوه (۱۳۸۹) رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی، بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۱، صص ۹۸-۸۵.
۱۲. حقیقت، حمید و علوی، سیدمصطفی، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۲-۱.
۱۳. داروغه حضرتی، فاطمه (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق الزحمه حسابرسی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد مرودشت.
۱۴. دیدار، حمزه و منصورفر، غلامرضا و پرویزی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی اثر میانجی کیفیت حسابرسی در رابطه بین مشکلات نمایندگی و کیفیت گزارشگری مالی. پژوهش های تجربی حسابداری مالی.
۱۵. رحیمیان، نظام الدین، نرگس رضاپور و حسین اخضری. (۱۳۹۰) نقش مالکان نهادی در کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۴۵.
۱۶. سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، (۱۳۸۷)، اطلاعیه رتبه بندی شرکت ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب، تاریخ ۱۰/۱۲/۸۷، پیوست ۶۰/۲۷۶۸۵.
۱۷. ساعی، محمدجواد؛ باقرپورولاشانی، محمدعلی؛ موسوی باگی، سیدناصر. (۱۳۹۲). «بررسی فراوانی و اهمیت تجدید ارائه صورتهای مالی». پژوهش های حسابداری مالی، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۷-۸۶.
۱۸. سازمان حسابرسی. (۱۳۷۲). صورتهای مالی اساسی، چاپ چهارم. نشریه شماره ۷۶.
۱۹. سجادی، سیدحسین؛ ابراهیمی مند، مهدی (۱۳۸۵). در جست و جوی استقلال حسابرسان، روزنامه سرمایه، شماره ۳.
۲۰. قائمی، محمدحسین و علوی، سیدمصطفی، (۱۳۹۱)، رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۹۱.
۲۱. محمد رضایی، فخرالدین و محمدرضایی، مهدی (۱۳۹۴). "بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی" فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال چهارم، شماره ۴۱.
۲۲. مشایخی، بیتا (۱۳۸۷)، شفافیت، اطاعات حسابداری مالی و نظام راهبری شرکتی. همایش راهبری شرکتی بورس اوراق بهادار، تهران، شرکت بورس اوراق بهادار تهران، http://www.civilica.com/Paper-COCG۰۱-COCG۰۱_۰۰۲.html
۲۳. مهرآذین، علیرضا؛ مسیح آبادی، ابوالقاسم و دهنوی، محمدمهدی، (۱۳۹۱)، شفافیت اطلاعات مالی و محتوای اطلاعاتی سود. مجله دانش حسابداری، سال سوم، ش ۸، بهار ۱۳۹۱، صص ۱۱۳ تا ۱۳۰.
۲۴. نوبخت، زهرا، (۱۳۸۳)، ارزیابی شفافیت اطلاعات در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۲۵. نوروش، ایرج و حسینی، سید علی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود. بررسی های حسابرسی، شماره ۵۵.
۲۶. واعظ، سیدعلی؛ رمضان احمدی، محمد و رشیدی باغی، محسن، (۱۳۹۳)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی شرکت ها، مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۰۷-۸۷.



۲۷. هندریکسن، الدوناس. ونبردا، مایکل اف. (۱۹۹۲). تئوری‌های حسابداری، علی پارسائیان، تهران: انتشارات ترمه.
۲۸. Al-Ajmi, Jasim. (۲۰۰۹). "Audit firm, corporate governance, and audit quality: Evidence from Bahrain"., *Advances in International Accounting*, Vol. ۲۰, pp ۶۴-۷۴.
۲۹. Alastair Lawrence, Miguel Minutti-Meza, and Ping Zhang. (۲۰۱۱). "Can Big ۴ versus Non-Big ۴ Differences in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client Characteristics?". *The Accounting Review* ۸۶ (۱), ۲۰۹.
۳۰. Andrade. C. Sandro, Bernile. Gennaro, Hood. M. Frederick (۲۰۰۹). "SOX, Corporate Transparency, And the Cost of Debt" *Journal of Financial Intermediation*, Volume ۱۸, Issue ۴, ۵۴۱-۵۵۸.
۳۱. Ball, R.; Kothari, S. P.; and Robin, A. (۲۰۰۰). The Effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earning. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. ۲۹.
۳۲. Beattie, V., McInnis, B., and Fernley, S., (۲۰۰۴), A Methodology for Analysing and Evaluating Narratives in Annual Reports: A Comprehensive Descriptive Profile and Metrics for Disclosure Quality Attributes, *Accounting Forum*, vol ۲۸, ۲۰۵-۲۳۶.
۳۳. Beatty, R.P., (۱۹۸۹). "Auditor reputation and the pricing of initial public offerings", *The Accounting Review* ۶۴ (۴), pp, ۶۹۳-۷۰۹.
۳۴. Botosan, C.A. (۱۹۹۷), Disclosure level and the cost of equity capital, *The Accounting Review*, Vol. ۷۲, No. ۳, pp ۲۰۵-۲۵۸.
۳۵. Bushman, R, Pitotroski, J and smith, A. (۲۰۰۴). What determines corporate transparency?, *Journal of Accounting research*, Vol. ۴۲. No. ۲.
۳۶. Bushman, R.M and Smith, A.J (۲۰۰۱), "Financial accounting information and Corporate Governance", *Journal of accounting and economics*. Vol ۳۲, P: ۲۳۷-۲۳۳.
۳۷. Callen, J. & Khan, M. (۲۰۱۳). Accounting Quality, Stock Price Delay and Future Stock Returns. *Temporary Accounting Research*, ۳۰(۱): ۲۶۹-۲۹۵.
۳۸. Choi, J.-H., J.-B. Kim, X. Liu, and D. A. Simunic. (۲۰۰۸). Audit pricing, legal liability regimes, and Big ۴ premiums: Theory and cross-country evidence. *Contemporary Accounting Research* ۲۵ (۱): ۵۵-۹۹.
۳۹. Chen Charles J P, Xijia Su, Xi Wu. (۲۰۱۰) Auditor Changes Following a Big Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study, *Auditing*. Vol. ۲۹, Iss. ۱, pg. ۳۲-۴۱.
۴۰. Diamond D.W., and Verrocchia, R.E. (۱۹۹۱), Disclosure, liquidity, and the cost capital. *The Journal of finance*, Vol. ۴۶, No. ۴, pp. ۱۳۲۵-۱۳۶۰.
۴۱. Dipiazza, I.S. and Eccles R.G, (۲۰۰۲), "Building Public Trust; the Future of Corporate Reporting" John Wiley & Sons publications.
۴۲. Elliott, W. Brooke, Krische, D. Susan. Peecher, E. Mark, (۲۰۱۰) "Expected Mispricing: The Joint Influence Of Accounting Transparency And Investor Base". *Journal of Accounting Research*, ۴۸: ۳۴۳-۳۸۱.
۴۳. Fan, J. P.H., and Wong, T.J. (۲۰۰۲), Corporate ownership structure and the informativeness of accounting earnings in East Asia, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. ۳۳, No. ۳, pp. ۴۰۵-۴۲۵.
۴۴. Francis J, Khurana I, Pereira R, (۲۰۰۵). Disclosure incentives and effects on cost of capital around the world, *The Accounting Review*; vol ۸۰, ۱۱۲۵-۱۱۶۳.
۴۵. Fuerman, R. D. (۲۰۰۶). Comparing the auditor quality of Arthur Andersen to that of the Big ۴. *Accounting and the Public Interest*, ۶(۱), ۱۳۵-۱۶۱.
۴۶. Gelb, D.S., Paul Zarowin. (۲۰۰۲), Corporate disclosure policy and the informativeness of stock price, *Review of Accounting Studies*, Vol. ۷, No. ۱, pp. ۳۳-۵۳.
۴۷. Healy, P.M., and palepu, K.G. (۲۰۰۱), Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature, *Journal of accountong and Economics* Vol. ۳۱, No. ۱-۳, pp ۴۰۵-۴۴۰.
۴۸. Kulzick, R. S. (۲۰۰۴). "Sarbanes-Oxley: Effects on financial transparency" *Advance*



- Management Journal, No ٦٩(١), ٤٣-٤٩.
٤٩. Leftwich, R., R. Watts and Zimmerman, J. (١٩٨١), Voluntary corporate disclosure: the case of interim reporting. Journal of accounting research, Vol. ١٩ (supplement), pp. ٥٠-٧٧.
٥٠. Lobo, G.J. and Mohmoud, A.A. (١٩٨٩), relationship between differential amounts of prior information and security return variability, Journal of Accounting Research, Vol. ٢٧, No. ١, pp ١١٦-٣٤.
٥١. Long, M.H and Lundholm R.J. (٢٠٠٠), Voluntary disclosure and equity offerings: reducing information asymmetry or hyping the stock? Contemporary Accounting Research, Vol. ١٧, No. ٤, pp. ٦٢٣-٦٦٢.
٥٢. Lin, Z.J Liu, M. "The impact of corporate governance on auditor choice: Evidence from China". Journal of International Accounting, Auditing and Taxation (١٨) ٤٤-٥٩, ٢٠٠٩.
٥٣. Li, Q., Wang, T. (٢٠١٠). Financial reporting quality and corporate investment efficiency: Chinese experience. Nankai Business Review International, ١ (٢): ١٩٧-٢١٣.
٥٤. Medeiros, O.R., and L. G. Quinteiro. (٢٠٠٥). Disclosure of Accounting Information and Stock Return Volatility in Brazil. SSRN. Com, Working Paper.
٥٥. Madhavan, A., D. porter, and D. Weaver. (٢٠٠٤). "Should Securities Markets Be Transparent?" Journal of Financial Markets. No ٣٢, ٢٤١-٢٦٨.
٥٦. Okolie, A. O. (٢٠١٤). Audit quality and earnings response coefficients of quoted companies in Nigeria. Journal of Applied Finance and Banking, ٤(٢), ١٣٩-١٦١.
٥٧. Palmer, P.D. (٢٠٠٨). Disclosure of the Impacts of Adopting Australian Equivalents of IFRS. Accounting and Finance, vol. ٤٨, ٥, ٨٤٧-٨٧٠.
٥٨. Palmrose, Z-V. (١٩٨٦), Audit fees and auditor size: further evidence. Journal of Accounting Research ٢٤: ٩٧-١١٠.
٥٩. Sun, J., & Liu, G. (٢٠١٢). Auditor industry specialization, board governance, and earnings management. Managerial Auditing Journal, ٢٨(١), ٤٥-٦٤.
٦٠. Tsai Chiang, Hsiang. & Lin Lin, Shu. (٢٠١٢). Auditor's Industry Specialization and Disclosure Quality of IAS No. ٣٩-Related Accounts. Journal of Applied Finance & Banking, ٢(٢), ٥٩- ٩٨.
٦١. Yu, Fan (٢٠٠٥). "Accounting transparency and the term structure of credit spreads" Journal of Financial Economics, No ٧٥, ٥٣-٨٤.